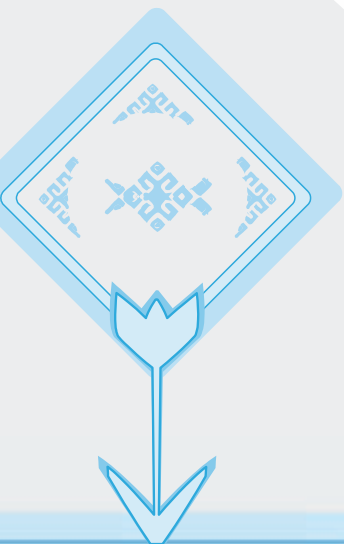


فارسی دهم

فارسی (۱) - دوره دوم متوسطه
رشته های ریاضی - تجربی - انسانی

قابل استفاده دبیران ادبیات و دانش آموزان

♦ دکتر علی سلطانی گرد فراموزی



۱۰۶ آزمون چهارگزینه‌ای فصل چهارم

فصل ۵ ◀ ادبیات انقلاب اسلامی

۱۱۵ درس نهم: دریادلان صف‌شکن

۱۱۸ گنج حکمت: یک گام فراتر

۱۲۰ درس یازدهم: خاک آزادگان

۱۲۴ روان‌خوانی: شیرزنان ایران

۱۲۹ آزمون تشریحی فصل پنجم

۱۳۳ آزمون چهارگزینه‌ای فصل پنجم

فصل ۶ ◀ ادبیات حماسی

۱۳۹ تشریح حماسه

۱۴۰ درس دوازدهم: رستم و اشکبوس

۱۴۶ گنج حکمت: جاه و چاه

۱۴۹ درس سیزدهم: گردآفرید

۱۵۴ شعرخوانی: دلیران و مردان ایران زمین

۱۵۷ آزمون تشریحی فصل ششم

۱۶۰ آزمون چهارگزینه‌ای فصل ششم

فصل ۷ ◀ ادبیات داستانی

۱۶۷ درس چهاردهم: طوطی و بقال

۱۷۱ گنج حکمت: کوزه

۱۷۳ درس شانزدهم: خیر و شر

۱۸۰ روان‌خوانی: طراران

۱۸۲ آزمون تشریحی فصل هفتم

۱۸۵ آزمون چهارگزینه‌ای فصل هفتم

فصل ۸ ◀ ادبیات جهان

۱۹۱ درس هفدهم: سپیده دم

۱۹۶ گنج حکمت: مزار شاعر

۱۹۸ درس هجدهم: عظمت نگاه

۲۰۲ روان‌خوانی: بینوایان

۲۰۶ ◀ **نیایش: ای خدا**

۲۰۸ آزمون تشریحی فصل هشتم

۲۱۳ آزمون چهارگزینه‌ای فصل هشتم

۲ مقدمه

◀ ستایش: به نام کردگار ۵

فصل ۱ ◀ ادبیات تعلیمی

۱۳ درس یکم: چشمه و سنگ

۱۹ آزمون تشریحی ستایش و درس اول فصل اول

۲۳ گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

۲۴ درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

۲۷ روان‌خوانی: خسرو

۳۲ آزمون تشریحی فصل اول

۳۵ آزمون چهارگزینه‌ای فصل اول

فصل ۲ ◀ ادبیات سفر و زندگی

۴۱ درس سوم: سفر به بصره

۴۶ گنج حکمت: گرگ و سگ

۴۹ درس پنجم: کلاس نقاشی

۵۲ روان‌خوانی: پیرمرد، چشم ما بود

۵۵ آزمون تشریحی فصل دوم

۵۹ آزمون چهارگزینه‌ای فصل دوم

فصل ۳ ◀ ادبیات غنایی

۶۵ درس ششم: مهر و وفا

۶۵ شناخت ادبیات غنایی و غزل

۶۸ گنج حکمت: حقه راز

۷۰ درس هفتم: جمال و کمال

۷۶ شعرخوانی: بوی گل و ریحان‌ها

۷۹ آزمون تشریحی فصل سوم

۸۳ آزمون چهارگزینه‌ای فصل سوم

فصل ۴ ◀ ادبیات پایداری

۸۹ درس هشتم: در سایه‌سار نخل ولایت

۹۷ گنج حکمت: دیوار عدل

۹۸ درس نهم: غرّش شیران

۱۰۱ شعرخوانی: باز این چه شورش است

۱۰۳ آزمون تشریحی فصل چهارم

به نام خداوند بخشایندهٔ مهربان

مقدمه:

با عرض ارادت و درود به دبیران دانشمند و بزرگوار و دانش آموزان گرامی، به آگاهی می‌رساند که:

مطالب در این کتاب، بدین صورت است:

۱. معنی تمام واژه‌ها به ترتیب کاربرد در درس.
۲. آرایه‌های ادبی تمامی جمله‌ها و ابیات به ترتیب کاربرد.
۳. بیان نکته‌های دستوری خاص دروس
۴. شرح معنی کامل ابیات و جمله‌های دروس
۵. توضیح مواردی که در بخش «متن پژوهی» مطرح شده است.
۶. معرفی شاعران و نویسندگان
۷. در پایان هر فصل، یک آزمون کامل تشریحی که تمامی فصل را در خود نشان می‌دهد با پاسخ تشریحی.
۸. در پایان هر فصل، یک آزمون تستی که دربرگیرندهٔ تمام مطالب آن فصل است با پاسخ تشریحی.

امید است که این خدمت ناقابل مورد بهره‌گیری دبیران بزرگوار و دانش آموزان عزیز قرار گیرد زیرا توضیحات و آزمون‌های این کتاب آموزنده و رفع‌کنندهٔ تمامی اشکالات است. از جناب آقای یحیی دهقانی، مدیرت ارجمند انتشارات مبتکران سپاسگزارم که به لطف ایشان این کتاب به مرحلهٔ چاپ و پخش رسیده است.

علی سلطانی گردفرامرزی

ستایش

ستایش

به نام کردگار

ستایش، اسم مصدر است از مصدر «ستودن» یعنی، خوبی های کسی را بیان کردن و در مورد خداوند؛ یعنی، سپاسگزاری از نعمات خداوند و حمد و ثنای او

نکته ادبی

نوع این شعر، مثنوی است و نام مثنوی؛ یعنی، دوتایی، به این جهت به این نوع شعر داده اند که قافیه های آن دوتا دو تا هماهنگ است چون هر بیت قافیه جداگانه ای دارد. مثنوی برای موضوعات طولانی مانند داستان، عرفان، حماسه و... مناسب است چون قافیه ها مرتباً تغییر می کند و حتی تکرار آن هم اشکالی ندارد و شاعر هیچ گاه دچار کمبود قافیه نمی شود.

معنی واژه های درس به ترتیب کاربرد آنها در ابیات

کردگار: آفرینند، پروردگار	الهی: ای خدای من، پروردگارا
افلاک: جمع فلک؛ آسمانها	فضل: در این جا: بخشش
پیدا کرد: آفرید، ایجاد کرد	زهی: خوشا، به به
توجه: فضل به معنی برتری، معرفت، دانش و مجازاً: لطف و توجه	گویا: دارای نیروی سخن گفتن
رحمت: لطف و مهربانی، بخشایش	کام: دهان
رزاق: بسیار روزی دهنده	توجه: کام به معنی آرزو هم هست
خلاق: بسیار آفریننده، ایجادکننده	فروغ: نور، روشنایی
نهان: ناپیدا	شوق: اشتیاق و هیجان، مجازاً: علاقه
پدیدار: آشکار	خاک: در این شعر، مجاز است به معنی جهان مادی، کره زمین
حقیقت: در این شعر: به راستی، در حقیقت	عجایب: جمع عجیبه: شگفت آورها، آنچه تعجب را برمی انگیزد
رخسار: چهره	
کفی خاک: به اندازه یک مشت خاک	

آرایه‌های ادبی

- ۱- **سجع** ⇨ جواز و جهاز - امان و عیان - پناهی و راهی و گواهی و خواهی - رحمانی و سبحانی، زمانی و مکانی، مانی، جانی، آنی - تاجداران و خاکساران - باد و بیداد و شاد - خمار و اسرار و اشعار - گویم و جویم - بسی و کسی - شوریده و آلوده - بیش و درویش
- ۲- **جناس ناقص** ⇨ جواز و جهاز - گواهی و خواهی - مانی و جانی و آنی - گویم و جویم - بسی و کسی
- ۳- **تضاد** ⇨ تاجداران و خاکساران - ظاهری و باطنی - آتش و آب - توانگر و درویش
- ۴- **مراعات نظیر** ⇨ ضعیفان و پناه - قاصدان و راه - جلال و کمال - زمان و مکان - محتاج و آرزومند - خاک و باد - ستایش و ثنا - دیده و آب
- ۵- **تشبیه** ⇨ خواب غفلت
- ۶- **استعاره** ⇨ آب (اشک) - آتش (رنج شدید و غم)
- ۷- **اغراق** ⇨ گاهی در آتش می‌سوزیم - گاهی در آب دیده غرق.
- ۸- **کنایه** ⇨ قاصدان را بر سر راهی - در میان جانی - بر تن خود بیداد کردم - خاک بر باد کردم - باطن به خواب غفلت آلوده - گاهی در آتش می‌سوزیم.

چند نکته مهم دستور زبان

- ۱- در مصراع اول، بخشی از گزاره به قرینه معنوی حذف شده است: به نام کردگار هفت افلاک [سخن را آغاز می‌کنم]
- ۲- هفت افلاک نوعی کاربرد خاص است و در فارسی پس از صفت شمارشی، واژه جمع نمی‌آید.
- ۳- «الهی» در بیت دوم و نهم، یک شبه جمله است چون مناداست: [ای] خدای من.
- ۴- کاربرد «آیی» به جای «شوی» پدیدار آیی (شوی)
- ۵- «ش» در بیت هفتم: نقش مسندی (متمم مسندی) دارد: از آن رنگ‌های بیشمار، برای او است.

نکته‌های دستوری

- ۱- «الهی» در بیت دوم، یک شبه جمله (جمله استثنایی بدون فعل) است چون «اله» مناداست.
- ۲- مصراع اول بیت نخستین، یک جمله است که فعل و بخشی از جمله، به قرینه معنوی حذف شده است: «به نام کردگار هفت آسمان [سخنم را آغاز می‌کنم].» همین‌گونه است زمانی که در شروع کلام می‌گوییم: «به نام خداوند بخشاینده مهربان» بخش اصلی جمله؛ یعنی، «سخنم را آغاز می‌کنم» را حذف می‌کنیم.
- ۳- «زهی» در دستور زبان «صوت» و شبه جمله است که از جهت تعداد جمله، یک جمله استثنایی است.

نکته‌های ادبی و آرایه‌ها

- بیت ۱-** آدم و خاک: مراعات نظیر است چون آدم از خاک آفریده شده است.
- بیت ۲-** مصراع دوم کنایه است از درخواست لطف و بخشایش خدا - یار و کار: جناس ناقص اختلافی
- بیت ۳-** پنهان و پیدا، دانا و نادان: تضاد (طباق) دارند - خَلَّاق و رَزَّاق: هم تلمیح دارند به صفات خداوند که در قرآن آمده است و هم مراعات نظیر دارند.
- بیت ۴-** گویا و زبان، کام و زبان: مراعات نظیر - آشکارا و نهان: تضاد (طباق)
- بیت ۵-** هر دو مصراع کنایه دارند چون مفهوم ظاهرشان موردنظر نیست.
- بیت ۶-** مصراع اول کنایه دارد - خاک: مجازاً جهان مادی، کره زمین
- بیت ۷-** گل: آرایه تشخیص و استعاره دارد به دلیل خندیدن - مصراع دوم، حسن تعلیل دارد زیرا دلیل رنگارنگی گل، شوق گل به خداوند نیست و بنابراین، دلیلی زیباست اما واقعی نیست.
- بیت ۸-** انی و جانی: جناس ناقص اختلافی دارند چون در یک واج اختلاف دارند.
- توجه:** آ = دو واج: ء + ا (مصوت بلند)
- بیت ۹-** آرایه تکرار دارد: دوبار «نمی دانم»، دوبار «تو» و دوبار «دانی»

معنی ابیات

- بیت ۱-** به نام کردگار هفت افلاک که پیدا کرد آدم از کفی خاک
معنی: سخنم را با بیان نام خداوندی آغاز می‌کنم که آسمان‌های هفتگانه را آفریده است و آدمیان را از خاک آفرید [و روح خود را در آنان دمید].
- بیت ۲-** الهی، فضل خود را یار ما کن
معنی: پروردگارا، لطف خود را شامل حال ما کن و با رحمت خود، به کار و کردار ما توجه کن.
- بیت ۳-** تویی رزاق هر پیدا و پنهان
معنی: تو به همه پدیده‌های جهان، چه آنها که آشکارند و چه آنها که از دیده پنهان هستند، روزی می‌رسانی و تو آفریننده همه آدمیان هستی، چه دانایان و چه ناآگاهان
- بیت ۴-** زهی گویا ز تو، کام و زبانم
معنی: به راستی، تو نیروی سخن گفتن را به من داده‌ای و همه ذرات وجود مرا چه پیدا و چه نهان، تو آفریده‌ای (وجود انسان‌ها نشان‌دهنده قدرت آفرینش تو است)
- بیت ۵-** چو در وقت بهار آیی پدیدار
معنی: هنگام بهار، همه زیبایی‌های جهان، نمودار زیبایی‌های تو است که در آینه وجود پدیده‌ها منعکس کرده‌ای.

بیت ۶- فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک

معنی: نقش تمام پدیده‌های شگفت‌انگیز جهان، نمودار اندکی از زیبایی ذات مقدس تو است.

بیت ۷- گل از شوق تو، خندان در بهار است از آنش، رنگ‌های بیشمار است

معنی: در بهار، گل از شدت عشق و شوق به تو، می‌شکند و رنگ‌های گوناگون به خود می‌گیرد.

بیت ۸- هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی یقین دارم که بیشک، جانِ جانی

معنی: من توانایی آن را ندارم که تو را چنان که هستی، وصف کنم اما اطمینان دارم که ذات تو، زندگی‌بخش و حقیقت وجود تمام پدیده‌های جهان است.

بیت ۹- نمی دانم نمی‌دانم، الهی تو دانی و تو دانی آنچه خواهی

معنی: من قدرت درک ذات تو را ندارم؛ خداوندا، تویی که از تمام حقایق جهان آگاه هستی و همه چیز در قدرت تو است.

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری

چنان که از نامش پیداست، ابتدا شغل پزشکی سنتی داشت اما بعد، به عرفان

روی آورد و پس از سنایی، دومین شاعری است که حقایق عرفانی را در آثار

خود، به زیباترین صورت بیان کرده است.

از جمله آثارش: منطق‌الطیر، الهی‌نامه، مصیبت‌نامه و مختارنامه است.



فصل ۱

ادبیات تعلیمی

◆ درس یکم: چشمه و سنگ

◆ آزمون تشریحی ستایش و درس اول فصل اول

◆ گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

◆ درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

◆ روان‌خوانی: خسرو

◆ آزمون تشریحی فصل اول

◆ آزمون چهارگزینه‌ای فصل اول

درس یکم

چشمه و سنگ

چشم اندازهای مهم:

۱- ادبیات تعلیمی، چگونه است؟

در این نوع نوشته‌ها یا شعرها، قصد گوینده، آموزش نکته‌ای اخلاقی، ادبی، اجتماعی، و... است. گاهی برای آموزش معنی واژه‌هاست: «نصاب الصبیان» از ابونصر فراهی؛ گاهی برای آموزش نکات اخلاقی و اجتماعی است به صورت داستان، مانند گلستان و بوستان سعدی، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و گاهی برای تعلیم عرفان اسلامی است مانند آثار سنایی، عطار، حافظ و در اروپا «بهشت گمشده» از میلتون انگلیسی و «گمدی الهی» از دانته

۲- داستان‌هایی که بازیگران آنها، گیاهان، حیوانات یا پدیده‌های مادی هستند، ادبیات تمثیلی نام دارد چون هر یک از بازیگران آن داستان‌ها، نمونه‌ای (مثال) از انسان‌های گوناگون هستند مانند کلیله و دمنه و داستان‌های همانند آن. شعر چشمه و سنگ نیز یکی از همین تمثیل‌هاست. چشمه، مثال انسان‌های متکبر و خودخواه است که خود را برترین می‌شمارند اما سرانجام به اشتباه خود پی بردند.

۳- نوع این شعر هم مانند شعر ستایش، مثنوی است زیرا قافیه‌های هر بیت، مستقل است.

۴- علی اسفندیاری (نیما یوشیج) در سال ۱۲۷۶ در دهکده «یوش» شهرستان نور مازندران متولد شد. پس از یادگیری خواندن و نوشتن نزد ملای ده، به تهران رفت و زبان فرانسه را در مدرسه «سن‌لویی» آموخت. در دوره زندگی به مشاغل اداری مشغول شد و به تشویق «نظام و ما» شاعر معروف، به سرودن شعر پرداخت و مهمترین شهرت نیما به دلیل آغاز تحوّل در شعر فارسی بود که او را پدر شعر نو می‌نامند. آثارش: قصه رنگ پریده، ققنوس، ای شب، افسانه و... است. افسانه آغاز تحوّل در شعر فارسی بود.

معنی واژه‌های درس به ترتیب کاربرد آنها در ابیات

غلغله زن: فریادکنان، ایجادکننده سر و صدای زیاد.

چهره‌نما: کنایه است از خودنمایی و غرور نشان دادن

تیز پا: تند، سریع

معرکه: جای ازدحام، هنگامه و غوغا (گاهی میدان جنگ)

صدف: یک موجود دریایی است شبیه حلزون که مروارید

در درون آن ایجاد می‌شود.

هدف: در این شعر؛ یعنی، جایگاه برخورد تیر، نشانه تیر

معرکه: میدان مبارزه

گلبن: درخت یا بوته گل

آغوش: بعل، بر

شکن: چین زلف، خمیدگی گیسو	مست: مجازاً: سرمست و پرهیجان
رُخ: چهره، صورت	مبدأ: محلّ آغازین
زو: مخفّف «از او»	بحر: دریا
گُهر: مخفّف «گوهر»: مروارید	سهمگن: مخفّف سهمگین: وحشت‌انگیز، ترسناک
تابناک: درخشان	نادره: کمیاب
بَر: کنار، همراه	فلک: آسمان
خجلی: شرمندگی، خجالت کشیدن	زهره: در اصل به معنی «کیسه صفر» است اما مجازاً: جرئت
حامل: حمل‌کننده، با خود برنده	زهره در: بسیار وحشت‌انگیز و شگفت
پیرایه: زینت و زیور، زیبایی	راست: عیناً، دقیقاً
برازندگی: سربلندی و افتخار	یله داده: تکیه کرده است
پرتو: نور؛ در این جا مجازاً: پناه	هنگامه: شور و غوغا، آشوب، سر و صدا
بُن: زیر، عمق	وَرطه: محلّ ترسناک و پرخطر
پرده نیلوفری: استعاره از آسمان	خیره: حیران
همسری: همانندی، یکسان بودن	خاموش: ساکت
نمط: روش	شیرین سخنی: زیبا سخن گفتن

آرایه‌های ادبی

- بیت ۱-** چشمه، تشخیص و استعاره دارد به دلیل داشتن حالات انسانی (در همه بیت‌هایی که وجود دارد) - تیزپا: کنایه از سریع - چشمه و سنگ: مراعات نظیر
- بیت ۲-** هدف و صدف: جناس ناقص اختلافی - تشبیه چشمه به صدف و تیر
- بیت ۳-** کنایه: مفهوم هر دو مصراع، چون معنی ظاهری آنها موردنظر نیست - تشخیص و استعاره: گلبن و صحرا به دلیل تاج بر سر داشتن که ویژگی انسانی است - مراعات نظیر: گلبن و صحرا - جناس: در، سر
- بیت ۴-** تشخیص و استعاره: سبزه به دلیل بوسیدن - مراعات نظیر: آغوش، سر و دوش - جناس ناقص اختلافی: سر و بر - کنایه: مفهوم هر دو مصراع
- بیت ۵-** تشخیص و استعاره: ماه و چشمه - کنایه: مفهوم مصراع اول و تا حدودی مصراع دوم
- بیت ۶-** استعاره: گُهر: به جای سبزه و گل - مراعات نظیر: باران و خاک - مجاز: خاک به جای زمین
- بیت ۷-** تشخیص و استعاره: ماه (به قرنیۀ لفظی محذوف است) - کنایه: مفهوم هر دو مصراع
- بیت ۸-** کنایه: مفهوم هر دو مصراع - استعاره: سرمایه = (بخار آب) - پیرایه: گل‌ها و سبزه‌ها - موازنه: واژه‌های هر دو مصراع در مقایسه با یکدیگر هموزن هستند:

ابر	زمن	حامل	سرمایه	شد
باغ	زمن	صاحب	پیرایه	شد

- بیت ۹-** کنایه: مفهوم هر دو مصراع - مراعات نظیر: گل و رنگ - استعاره: پرتو: آبیاری
- بیت ۱۰-** استعاره: پرده نیلوفری: آسمان - کنایه: مفهوم مصراع دوم
- بیت ۱۱-** کنایه: مست شده از غرور - مجاز: مست = پرهیجان، سرمست
- بیت ۱۲-** تشخیص و استعاره: بحر (به دلیل خروشیدن)
- بیت ۱۳-** تشخیص و استعاره: فلک (به دلیل کر شدن) - اغراق: کر شدن گوش فلک - کنایه گوش فلک کر شدن.
- بیت ۱۴-** تشبیه: دریا: مشبه / زلزله: مشبه به / به مانند / وجه شباهت: تن به ساحل یله کردن. استعاره: تن ساحل
- بیت ۱۵-** تشخیص و استعاره: چشمه کوچک (به دلیل دیدن) - چشمه و دریا: مراعات نظیر
- بیت ۱۶-** کنایه: قدم در کشیدن از ورطه - خویشتن را برتر کشیدن
- بیت ۱۷-** حس آمیزی: خاموش به معنی ساکت و شیرین بودن سخن - مراعات نظیر: گوش و سخن - کنایه: مفهوم مصراع دوم

معنی ابیات

- بیت ۱-** گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله زن، چهره نما، تیز پا
معنی: یک چشمه آب از کنار سنگی جریان یافت در حالی که صدای جریان تند آب، کاملاً بلند بود و توجه بینندگان را جلب می کرد.
- بیت ۲-** گه به دهان بر زده کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف
معنی: گاهی به دلیل جریان مخصوص آب، روی آن، کف ایجاد می شد و گاهی با سرعت بسیار زیاد به سوی هدف، جریان داشت.
- بیت ۳-** گفت: در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا، منم
معنی: چشمه با خود گفت: تنها من هستم که گلها، سبزهها و صحرا را آبیاری می کنم و در حقیقت، من موجب قدرت، شکوه و ارزش گل های صحرا هستم.
- بیت ۴-** چون بدوم، سبزه در آغوش من / بوسه زند بر سر و بحر دوش من
معنی: هنگامی که در صحرا جریان دارم، سبزهها را در آغوش می گیرم (کنایه از آبیاری می کنم) و سبزهها به عنوان سپاسگزاری، بر سر و دوش من بوسه می زنند (کنایه: از من سپاسگزاری می کنند)
- بیت ۵-** چون بگشایم ز سر مو، شکن / ماه ببیند رخ خود را به من
معنی: هنگامی که امواج من ساکت می شود و پایان می یابد، صاف و زلال می شوم و چهره ماه در وجود من منعکس و جلوه گر می شود.
- بیت ۶-** قطره باران که در افتد به خاک / زو بدمد بس گهر تابناک
معنی: زمانی که قطره های باران به زمین می بارد، موجب رشد و پیدایش سبزهها و گل های زیبا می شود.
- بیت ۷-** در بر من، ره چو به پایان برد / از خجلی، سر به گریبان برد
معنی: انا [من] زمانی که قطره های باران به من همراه و متصل می شوند، از احساس بزرگی خود، در مقایسه با من شرمند می شوند (خود را در مقایسه با من، ناچیز می شمارند)
- بیت ۸-** ابر، ز من حامل سرمایه شد / باغ ز من، صاحب پیرایه شد
معنی: ابرها از آب های بخار شده من، دارای باران می شوند و طراوت و زیبایی باغ، بسته به وجود من است که به آن آب می رسانم.
- بیت ۹-** گل به همه رنگ و برازندگی / می کند از پرتو من، زندگی
معنی: زندگی گل با وجود آنهمه رنگ های زیبا و افتخار، بسته به وجود من است (اگر من درخت گل را آبیاری نکنم، نمی تواند گل بدهد و سر بلند باشد)

- بیت ۱۰-** در بُنِ این پُردۀ نیلوفری کیست کند با چو منی همسری؟
معنی: در این جهان، هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند خود را از لحاظ قدرت و ارزش با من همسان و برابر بداند.
- بیت ۱۱-** زین نمط، آن مست شده از غرور رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور

نکته مهم این بیت با بیت بعدی موقوف‌المعانی است؛ یعنی، مفهوم آن با بیت بعد کامل می‌شود.

- معنی:** آن چشمه سرمست و هیجان‌زده از غرور و خودخواهی چون بدین ترتیب جریان یافت و از محل آغازین خود، کمی دور شد ...
- بیت ۱۲-** دید یکی بحر خروشنده‌ای سهمگنی، نادره جوشنده‌ای
معنی: دریای موج، پرخروش و وحشت‌آوری را دید که کمتر پدیده‌ای مانند آن، موج و خروشان بود.
- بیت ۱۳-** نعره برآورده، فلک، کرده کر دیده سیه کرده، شده زهره در
معنی: آن دریا با صدای امواج خروشان خود، جهان را تحت تأثیر قرار می‌داد؛ چشم بینندگان را خیره می‌کرد و آنان را فوق‌العاده می‌ترسانید.
- بیت ۱۴-** راست به مانند یکی زلزله داده تنش بر تن ساحل، یله
معنی: همان‌گونه که زلزله، زمین را می‌لرزاند، امواج پرخروش خود را به ساحل می‌کوفت و آن را به لرزه درمی‌آورد.
- بیت ۱۵-** چشمه کوچک چو بدان جا رسید و آن همه هنگامه دریا بدید...

نکته مهم این بیت نیز با بیت پس از خود موقوف‌المعانی است.

- معنی:** زمانی که آن چشمه کوچک و حقیر به کنار دریا رسید و آن آشوب و شور و غوغای دریا را دید ...
- بیت ۱۶-** خواست کزان ورطه، قدم درکشد خویشتن از حادثه برتر کشد
معنی: آن چشمه تصمیم گرفت که خود را از آن محل خطرناک دور کند و خود را از آن پیشامد ترس‌آور، برهاند.
- بیت ۱۷-** لیک چنان خیره و خاموش ماند کز همه شیرین سخنی، گوش ماند
معنی: اما آنچنان حیران و ساکت ماند که قدرت زیبا سخن گفتن را کاملاً از دست داد و ساکت ماند.

توجه به چند نکته دستوری شعر

- ۱- در بیت اول به ضرورت شعر، جای اجزای جمله عوض شده است: یکی چشمه ... ز سنگی جدا گشت.
- ۲- در بیت دوم فعل کمکی مصراع اول، «بود» به قرینه معنوی و در مصراع دوم «بود» فعل اسنادی حذف شده است.
- ۳- در چند بیت دیگر هم فعل در جای خود نیست: بیت نهم: زندگی می‌کند / بیت دهم: همسری کند.
- ۴- در بیت دوازدهم «ی» سه بار به صفت پیوسته و نشانه عظمت است.
- ۵- در بیت سیزدهم - چهار بار فعل «بود» به قرینه معنوی حذف شده است.
- ۶- در بیت چهاردهم - فعل: یله داده بود (حذف بود به قرینه معنوی)

قلعرو زبانی

- ۱- میدان جنگ = معرکه / جرأت: مجازاً: زهره، توان / شیوه: نمط / کمیاب: نادره
- ۲- به جای «همسری» امروزه «برابری» یا «همانندی» به کار می‌رود
به جای «راست» امروزه، «عیناً» یا «دقیقاً» به کار برده می‌شود.
- ۳- یکی چشمه، غلغله زن، چهره‌نما و تیزپا از سنگی جدا گشت.
 نهاد (مسند الیه) / قید حالت / متمم مسند فعل اسنادی
- ۴- هنگامه دریا

قلعرو ادبی

- ۱- بیت اول: مصراع اول کنایه دارد به صاف و بدون موج شدن
ماه: تشخیص و استعاره
مصراع دوم: کنایه است از منعکس شدن ماه در آب چشمه.
بیت دوم: در هر مصراع یک تشبیه کامل وجود دارد:
- چشمه (حذف به قرینه معنوی): مشبه - صدف: مشبه به - چون: ادات تشبیه - کف به دهان زدن = وجه شباهت
چشمه (حذف به قرینه معنوی): مشبه - تیر: مشبه به - چو: ادات تشبیه - به هدف رفتن: وجه شباهت
- ۲- چشمه: نماد کسانی است که به خود مغرورند و خود را تواناترین می‌دانند اما به ضعف و عیب خود توجه ندارند.
- ۳- سر به گریبان بردن: کنایه است از ساکت و شرم‌منده شدن
- ۴- خاموش: به معنی ساکت، حس‌آمیزی دارد زیرا خاموش در اصل؛ یعنی، بدون نور و با حس بینایی درک می‌شود اما در این درس، به معنی ساکت است و با حس شنوایی درک می‌شود.
- شیرین سخنی: حس‌آمیزی دارد زیرا سخن شیرین، شنیدنی است اما شیرینی، در اصل چشیدنی است.

قلعرو فکری

- ۱- چشمه متوجه اشتباه خود شد و آنچنان به شگفت آمد که قدرت تکلم را از دست داد.
- ۲- صدای امواج دریا فوق‌العاده شدید بود و بیننده را شگفت‌زده و ترسان می‌ساخت.

۳- در شعر سعدی، قطره، برعکس چشمه، خود را در مقایسه با دریای بی‌پایان، حقیر احساس کرد و از این‌رو، ارزش یافت مانند قطره‌آبی که در صدف، به مروارید تبدیل می‌شود اما چشمه با وجود احساس حقارت در برابر دریا، سخنی نگفت و ساکت ماند.

۴- البته شاید دیدگاه همه یکسان نباشد اما بهتر است، ما هم مانند قطره بدون احساس غرور بیجا باشیم تا این امکان را در زندگی پیدا کنیم که ارزشمند شویم.

۵- نام یک کتاب را که به زبان حیوانات یا اشیاء است، بنویسید: منطق‌الطیر، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه

فصل ۱

آزمون تشریحی ستایش درس اول

الف معنی دقیق این واژه‌ها را در کمانک روبه‌روی آنها بنویسید. (۳ نمره)

- خلاق () زهی () فضل () عجایب ()
 سهمگن () کام () فروغ () چهره‌نما ()
 نادره () ورطه () زو () یله دادن ()

ب معنی دقیق این موارد را بنویسید. (۸ نمره)

- ۱- چو در وقت بهار آبی پدیدار
 حقیقت، پرده‌برداری ز دیدار (۱)
- ۲- گل از شوق تو، خندان در بهار است
 از آنش رنگ‌های بیشمار است (۱)
- ۳- زهی گویا به تو کام و زبانم
 (۰/۵)
- ۴- گه به دهان برزده کف چون صدف
 گاه چو تیری که رود بر هدف (۱)
- ۵- تاج سر گلبن و صحرا منم
 (۰/۵)
- ۶- ابر، ز من حامل سرمایه شد
 (۰/۵)
- ۷- در بن این پرده نیلوفری
 کیست کند با چو منی همسری؟ (۱)
- ۸- راست به مانند یکی زلزله
 (۰/۵)

۹- خواست کزان ورطه قدم درکشد. (۰/۵)

۱۰- ماه بیند رخ خود را به من (۰/۵)

۱۱- باغ ز من، صاحب پیرایه شد (۰/۵)

۱۲- تویی رزاق هر پیدا و پنهان (۰/۵)

پ به این پرسش‌ها پاسخ دهید: (۵ نمره)

۱- نوع شعر ستایش چیست و چرا؟ (۰/۵)

۲- چشمه، نماد چه کسانی است؟ (۰/۵)

۳- نام دو کتاب را بنویسید که از زبان حیوانات باشد. (۰/۵)

۴- معروفیت نیما یوشیج، به خاطر چیست؟ (۰/۵)

۵- نام دو اثر عرفانی عطار نیشابوری را بنویسید: (۰/۵)

۶- منظور از «هوای نَفَس» چیست؟ (۰/۵)

۷- منظور از این جمله چیست؟ «از آب حقیقت و حکمت سیراب شده است»: (۰/۵)

۸- مفرد این دو واژه را بنویسید: عجایب - افلاک (۰/۵)

۹- قافیه در مثنوی در کجای ابیات می‌آید؟ (۰/۵)

۱۰- نام دو اثر نیما یوشیج را بنویسید. (۰/۵)

ت آرایه‌های موارد مشخص شده را در کنار هر مورد بنویسید: (۲ نمره)

۱- گل از شوق تو خندان در بهار است. (۰/۲۵)

۲- زهی گویا ز تو کام و زبانم تویی هم آشکارا هم نهانم (۰/۵)

۳- چون بدوم، سبزه در آغوش من بوسه زند بر سر و بر دوش من (۰/۲۵)

۴- قطره باران که در افتد به خاک زو بدمد بس گهر تابناک (۰/۲۵)